

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

نفسی
نامه

کوشمان

بهیج حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۷

۲ شنبه ۱۲ آذر ۱۳۲۴

نک شماره ۴ ریال

یادداشت سفارت شوروی

آنها با گماردن عناصر ملی بکارهای حساس میتوان از وخامت اوضاع گامت

راه نامشروع هدفی ندارد و جز برای تامین آن بهیج منظور دیگر خود را بین میزدستی نه چسبیده اند و چون خوب وقت حکیم با معضری گنجگاری بنامیم خواهیم فهمید که همه اینها با هم بستگی داشته و در سایه اتحاد است که آنها هم خون ملت را میبکنند آنها اتحاد را در راه استفاده های نامشروع و برای بیچاره کردن مردم بکار میبرند ولی ما اتحاد را فقط گاهی آن هم در حرف میایم.

هر وقت عدالتی از گوشه ای بلند شود یا فریاد نا رضایتی مردم منعکس کرده همین مدتی که بعقبت بیومن اند، بعقبت ماجرا جو و از اشرار بنام معنی هستند بیراه و طغیانگری خود را چاک زده و دیگران را غنائ، وطن فروش، یاشی، ماجراجو، متجاسر و مانع آن میمانند و در همین موقع است که «مصلح عالیه ملک» «تاریخ شش هزار ساله» «تصمیم ملی»، «غیرت باپردازی» «ملت اییب» و امثال آن برای ماست مالی موضوع بکار برده شده و بنام ایران، مجلس، دولت و ملت ایران همان نقشه های شوم ادامه میابد در صورتیکه از کلیه این اعمال و استعمال بیورد کلیه این عبارات ملت ایران یعنی کسانی که در زیر بار فشار این طبقه کتیف خم شده بیزار است و آن را دونه نمایل خود میدانند.

مگر نه همین مجلس شورایی است که در آن عدهای بنام نماینده ملت ایران نشسته و با مقدرات مبارزی میکنند و اکثر آنها را ملت نماینده خود میدانند؟

مگر نه اینست که اکثر آنها دارای پرونده های دزدی و رشوه خواری و دارای سوابق سوء وطن فروشی و نوکری اجنبی هستند؟

مگر جریان بر سر کار آمدن دولت ها نه اینست که باید به این عناصر مزدور باجواد تابکدارند چند نفری چند روزی بر مرکب وزارت سوار باشند؟

مگر جریان کابینه اول آقای حکیمی خود روشنترین نمونه از طرز عمل این باجگیرخانه نبود که باسلام و صلوات آوردند و چون زیر بار ترفتن با آن وضع فراموش شدنی بگوشه عزت راه نمایش کردند؟

با این مقدمه مختصر سر چشمه فساد کلاما واضح است و تا این روزها بد یعنی کل گرفته نشود از تراوشات مسوم آن نمیتوان در امان شدنی نشینند و با هم تالی می کنند. هر چه دلشان میخواهد بنام نمایندگان ایران تصویب می کنند و هر چه را که مفید بحال ملت و مملکت و معسر بحال خودشان باشد در می گنند و بهیچا که بهتر منافع شخصی آنان را تامین کند متوجه میگردند. بنابراین ما نباید با این کانون

بقیه در صفحه ۸

این اصل مسلم است هر ملتی منافع خود را مقدم بر منافع دیگران مینماید جای ایراد هم نیست. ما نباید متوقع باشیم که دولتی منافع خود را فدای منافع ما نموده و بجای اینکه از ما و از مملکت ما بفرمان خود استفاده کند و بجای استفاده از جهل و نادانی ما در مدد بیداری و هشیاری ما بوده بدین ترتیب مشکلات آتی برای خود فراهم نماید.

دولتیکه در ایران منافع دارنده در درجه اول نظر آنها حفظ آن منافع است و اگر روزی از طرف آن ها با کمک های بشود آنها هم برای تامین همان منافع است و نباید تصور کرد که واقعا از راه نوع پروری و انسان دوستی بوده است.

اگر این دول برای حفظ منافع خود خرجها میکنند، تبلیغات میباشند مزدورانی دارند که بنام افراد ایرانی مأمور انجام نقشه ها می هستند نباید از آن ها توقع بیجا داشت که از نقشه و سیاست خود دست بردارند بلکه ما خود باید بفکر خود باشیم. ما خود باید این دست های شکنج را که بکسک آن ها وسائل بدبختی ما فراهم میشود قطع نمایم اگر در مقابل تمام این گرفتاریها و شکایات فقط حسرت بزنیم یا فقط بنویسیم نعلما بجائی نخواهیم رسید. باید وارد عمل بشویم. باید گرد هم آیم و با نشان دادن گذشت و قداکاری صمیمانه متحد شویم و کار کنیم.

امروز مصادد امور ما را ۹۹ درصد اشخاص نامصالح تشکیل میدهند. بهر اداره ای وارد شویم سرو کله منحوس خواهیم دید که از قیافه اش جز کار شکنی و انتظار دریافت پول چیزی مشاهده نمیشود و در پشت هر میز حساسی ۹۹ درصد اشخاصی خواهیم یافت که جز بدست آوردن پول از

ما بارها تذکر داده ایم چوبی را که امروز میخوریم چوب دولت های نالایق بی فکر گذشته است که بدون توجه با اصول بسیار واضح و روشن بجای اینکه سیاست دوستی را تعقیب نموده و در مقابل هر تقاضای بیوردی با کمال رشادت ایستادگی کرده از حق ملت و مملکت دفاع کنند آن راهی را بیورده اند که دوروز هر فرمانروایی آنان را طولانی تر نماید و برای استفاده های شخصی خود مقدرات ما را بی انصافانه با خیال کرده اند.

مشکلات و مصلحتیکه امروز کرییان ما را گرفته و بنمناکتر سیاه می نشانند و بانس بگردن همان طبقه حاکمه است که بنام مصالح عالیه مملکت و امثال آن یک آن از سواری برگردد این ملت فلک زده خودداری نداشته است، همان طبقه حاکمه ای که بهیج قیمت حاضر نیست دقیقه ای ما را راحت و در امان بگذارد، همان طبقه حاکمه ای که اعضای ما را حلقه های زنجیری بهم پیوسته و فقط برای اجرای مقاصد شوم خود گمراه اتحاد بسته اند.

دولتهاست که از شهریور ۱۳۲۰ بیعت روی کار آمده اند اکثر آنها تنها از لحاظ خارجی توانسته اند بطور شایسته ای موازنه سیاسی را حفظ کنند بلکه در اداره امور داخلی هم رویه خصمانه ای با ملت پیش گرفته بودند.

اگر اعمال دولتها و اعمال آن ها را در شهرستان ها با نظر بیابوریم این حقیقت تلخ بهتر آشکار میگردد که حد اکثر کوشش و جدیت در غرض بکاربری شده و تا مقدور بوده مردم را نگران، دل سرد و ناراضی نموده اند هر مأمور دزدیکه بیشتر متفوق و موجب شکایت بوده بکارهای حساس تر گمارده میشد. هر وقت شکایاتی میرسید بجای ترتیب اثر دادن بر تقویت دادن نظام افزوده علان نشان داده میشد که زمامداران قصد تخریب دارند نه ترمیم. و بدین ترتیب کار مملکت روز بروز خرابتر، نا رضایتی های عمومی بیشتر و شکایات افزونتر گردید.

عدهای هستند که این خرابی ها از منافع خارجی سرچشمه گرفته و بر طبق نقشه خارجیانی است که حفظ منافع خود را در این میدانند که ایرانی همیشه در گرفتاری بوده یا همیشه سرگرم قند و شکر و جای و قماش باشد و فرستی نباید که روزی به حال خود اندیشه ای بنماید.

مهمترین وقایع هفته گذشته

وقایع آذربایجان مهمترین وقایع هفته گذشته بود. انعکاس این وقایع تنها بر داخل کشور موجب نگرانی‌ها شده و هیجان‌های تولید کرده بود دامنه آن هم سایر کشورهای جهان کشیده شد خصوصاً جلوگیری از حرکت قوای دولتی در نزدیکی‌های نروین موجب شد که علاوه بر پاداشتی که وزارت امور خارجه ایران بشوروی تسلیم کرده بود پاداشتی هائی هم از طرف دولت امریکا و دولت انگلیس بقامات شوروی ارسال گردد.

۱- پاداشت دولت ایران

روز ۲۶ آبان ماه پاداشتی از طرف وزارت خارجه ایران به امریکایرانی اعاد جواهر شوروی فرستاده شد که در آن ز روی اطلاعات واصله بورژوازی شوروی وزارت جنگ و وزارت دادگستری مطالبی یادآوری شده راجع باوضاع کردستان مینویسد:

۱- عده ای از روسای کرد متبیین در استان ۴ و مهاباد بتحرک دستجات محدودی که مقاصد مخالف تمامیت خاک ایران دوسر دارند بمخالفت هائی شروع نموده و بسایر مختلف تهیه اسلحه و مهمات مینمایند که خود را برای انجام منظور آماده سازند.

۲- روسای اکراد مزبور برای پیشرفت مقاصد خود و ایجاد بی نظمی و فتنه انگیزی در مدد پرآمده اند از راه مطبوعات ابتکار کردهای صلح جو را مشوب نموده و دامنه افشاش را در کردستان ایران توسعه دهند و برای این منظور بکدستگاه ماشین چاپ و مقادیر زیادی کاغذ و روزنامه از خاک شوروی بدست آورده اند.

۳- چند نفر از روسای کردهای

مهاباد و ساکنین قسمت های باختری آذربایجان بدون رعایت مقررات گذر نامه ورود به برای پیشرفت عملیات خود بیاد کوبه رفته و مراجعت نموده اند.

۴- ملامصطفی بارزان که از خاک عراق با کسان خود فرار اختیار و بایران آمده است در تقاطع کردستان ایران سکنی نموده و چون مسلح هستند ظن قوی می رود دامنه بی نظمی را توسعه داده و با عناصر مفسد جو امنیت و انتظامات قسمت باختری استان ۴ و حدود مهاباد را مقتل سازند.

در قسمتهای دیگر یاد داشت اشاره

باوضاع عمومی شال شده و اشکالاتی که در آن نواحی فراهم گردیده خاطرشان شده است و پس از ذکر چند مورد که دخالت های حزب دموکرات نا امنی هائی بوجود آورده و مامورین شوروی از بر قراری امنیت بوسیله مامورین دولتی مساعدت نموده اند اعزام قوای دولتی را شوروی دانسته و سرعیا تذکر داده شده هر گاه دولت شاهنشاهی نتواند به جلوگیری از پیش آمدهای نامطلوب مزبور بملت گذاشتن آزادی عمل ارتش و قوای تأمینیه ایران موفق گردد بدیهی است آثار ناشیه از آنرا حتماً متوجه مامورین نظامی شوروی بدانند.

یاد داشت سفارت شوروی

روز پنجم آذر سفارت شوروی جواب یاد داشت ایران را تسلیم و در موضوع مساعدت با گراد چنین مینویسد.

در موضوع مساعدت مقامات شوروی بکردها نسبت به فعالیت های سیاسی کرد ها در آن نواحی بیکلی بی اساس است و مخصوصاً مقامات شوروی هیچگونه رابطه یا فعالیت های روسای کرد های مقبیین استان

۴ مهاباد نداشته اند و نیز در امر عبور ملامصطفی بارزان از خاک عراق بایران که در پاداشت وزارت امور خارجه بآن اشاره شده هیچگونه دخالتی نبوده است و راجع سایر مطالب که پاداشت وزارت امور خارجه مورد بحث قرار داده همگی را تکذیب نموده در همه جا عدم مداخله مامورین شوروی را اعلام داشته است و نمونه ای از مساعدت های دولت شوروی تحویل ۲۵ هزار تن گندم در ماه ۱۹۴۳ بایران و قرار دادن یک هواپیمای برای خرید آذای بیات استان از آذربایجان و ذکر کرده در آخر راجع بملت مخالفت از حرسکت قوای دولتی ایران اینطور مینویسد:

۵- با در نظر گرفتن این که از هر گونه حوادث نامطلوب برای دولت ایران و همچنین برای دولت شوروی باید احتراز کرد و این موضوع با ورود نیروی نظامی تازه ایران باستان های شمالی ایران بستگی دارد دولت شوروی در این موضوع انجام این امر اصلاح نمیداند و باید در نظر گرفت که چنانچه نیروی تازه علاوه بر ارتش منظم ایرانی و زاهدان که در نواحی مزبور میباشد وارد خود آن گاه اینست باعت اغتشاشات و خورجری در استان های شمالی ایران خواهد گردید و باین مناسبت دولت شوروی هم ناگزیر خواهد بود که بتطور حفاظت نظم و تأمین امنیت برای باستان شوروی نیروی تکمیلی خود را بایران وارد نماید و چون دولت شوروی ورود نیروی تکمیلی خود بایران مایل نیست باین لحاظ ورود نیروی تکمیلی ایران را باستان های شمالی در این موضوع صلاح نمیداند.

۳- پاداشت دولت امریکا

دولت امریکا پاداشتی بانعاد جواهر شوروی تسلیم نمود

و در آن چنین مینویسد
بایستی بخاطر آورد که در اول ماه دسامبر ۱۹۴۳ مارشال استالین نخست وزیر چرچیل و پرزیدنت روزولت اعلامیه ای در تهران امضاء نموده و در آن اظهار داشتند که دولت های آن ها با دولت ایران در تمایل استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران اتفاق نظر دارند.

این دولت کاملاً اطمینان دارد که دولت های شوروی و بریتانیای کبیر با تاه از دولت کشورهای متحده امریکا شوروی علاقه دارند که با تکمال دقت طبق موازین مندرجه در این اعلامیه رفتار نمایند.

بقیة دولت امریکا انجام این قول و تمهد منظم اینست که دولت ایران بتواند برای حفظ اقتدار خود و برای استرداد امنیت داخلی با کمال آزادی بدون مداخله مقامات نظامی یا کنسولی بینه در صفحه ۷

وقایع آزارات

۳۲-

وضع دلغراش زن و بچه ها که در زیر گلوله های توپ و بسب این طرف و آن طرف میدویدند دلای پولابین مردان را برقت میآورد و زن ها التماس میکردند که باعث نشوند خود شان و بچه هایشان بدست دشمن افتند . استعدای استغلام و پاکشتشان را بدست سردان نمود می نمودند .

خط محاصره بنوعی تنگ شده بود که دشمن از هر طرف نمیتوانست آتش خود را در یک نقطه متمرکز دهد این دیگر شبیه میدان کربلا شده بود با این تفاوت که مهاجمین عرب بسا زن و بچه کاری نداشتند اما حمله کنندگان نظامیان ترك شكم زنان کرد را هم بایزده دیده بچه را با سر بزنه از شکم میرون آورده برتاب میکردند

شکر هیال دیوانه نام برادرزاده بروحسکی وزنه ای دیگر که به دست ترکها افتاده بودند بهین سرنوشت گرفتار شده بودند . محوی شتر آقا از روسای آدمی پیر و پیاور بود قدرت حرکت هم نداشت پس از شکست ارجیش برحت خودش را با آزارات رسانیده بود این شخص با نو نام عبوی بروحسکی که او هم از یکصد و بیست سال بیشتر سن داشت و هلیکو نم حسنی که بواسطه عمل جراحی که در سرش شده بود مریض و بی هوش افتاده بود وعده دیگر از افراد پیوعلیل که در گوشه و کنار مانده بدست دشمن افتاده بودند در حین گرفتاری بیکر ناتوانشان هدف آزمایش بر زندگی نیرمهای نظامیان ترك واقم شده بود.

هیال هلیکو زن جوان و حاطمی بود در نتیجه وفاداری بشوهر خود پایک دختر کوچکش نزد شوهر مانده و دختر دیگرش که سواران فرژنده با خود برده بودند و از دست سواران فرار کرده خود را به پدر و مادر رسانیده بود هر چهار نفر باهم هدف نیرم های نظامیان ترك شده روحشان در حین پرواز باسان یکدیگر را تنها نگذاشته از هم جدا نشده وفاداری اعضای خانوادگی کرد را بمرش نایش قرار داده بودند حتی مدتی پس از سقوط آزارات ۲۷ نفر از زن و بچه های احمد حاجی بروی حیدری و برادرهایش که از جنگ جوانان بر جسته آزارات بودند در نزدیکی سرحد ایران در منطقه سرکالی بدست نظامیان ترك افتاده کلیه این ۲۷ نفر بیگناه هم تیر باران شده بودند و لششان مدتی در آنجا مانده بود . احمد حاجی پسر که برادرش سوئی بو شورا در آخرین جنگهای آزارات از دست داده بود بادر برادر دیگرش اسلانو عبدالله وقتی به قلعه نامبرده رسید لش های زن و بچه های بیگناه را در خون غلطیده دید .

اینها آخرین قربانیها بودند که خانواده حاجی برودر راه آزادی ملت خود داده بود بلکه این افتخار برای خود احمد و برادرش اسلان نگذاشته شده بود زیرا آن ها هم چندی پس از این واقعه در جنگی شهیدای آزادی بیوستند .

اندیشه های ناموس پرستی وغیرت بروری آزاراتیهای باقی ماند را میبوردند که در تصمیم اولیه خود تجدید نظر نموده زن و بچه های خود را از دست دشمن رهائی بخشند . دسته ای مضطرب از اول های حیدری و گلتوری هجومی بقوای دشمن که از اسفامت پاشکند و اخوریک بالا آمده بودند نموده آنها را عقب رانده باین تر بردور این حمله تعرضی

بلام آقای سلیمان یونس لیباسبستون

کرمانشاه متروک

نامه وارده

۱۰-

قصر شیرین

۳-



قصر شیرین که در کنار خرابه های قدیمی قصر معروف شیرین بنا گردیده و رودخانه خلوان با شیب بسیار تند در آن میگذرد مرکز یکی از شهرستان های مهم سرحدی غربی ایران است. رود خلوان که از کوه های زاگروس سرچشمه میگیرد پس از مشروب نمودن جلگه قصر شیرین و سرریل وارد دیاله میشود. (زاگروس کلمه است یونانی و به کوه های اصلی غربی ایران مانتد الا هو. بپاول - کوه برد - کوه هوه - کوه کله که - سکوه بزاق - پبال کلهر - کوه سنکه - و شاه کسوه اطلاق می شود)

قصر شیرین که از نواحی مهم خوردان (۱) قدیم ایران است از لحاظ اهمیت در سال حاضر از طرف هیئت وزیران بوجوب تصویر نامه ذیل بشهرستان مبدل گردیده است.

۱ - بخش قصر شیرین از شهرستان شاه آباد مجزا و تبدیل به شهرستان گردد.

۲ - مرکز فعلی را کواری بسومار منتقل و دهستان پولسی هم ضمیمه آن گردد و یکی از بخش های قصر شیرین را تشکیل دهد.

۳ - سرریل ذهاب یکی از بخش های شهرستان جدید اننامیس قصر شیرین شود بنا بر این قصر شیرین شهرستان است که دارای ۲ بخش سومار و سرریل میباشد پنج بلوک قصر شیرین عبارتند از:

نصر آباد - بشیوه - قلعه شاهین. نهاب و جگرلو از ۱۷۰ قریه تشکیل شده است و ما از لحاظ اختصار نام ۳۹ تا از آنرا که بقصر شیرین نزدیکتر هستند در اینجا ذکر مینمائیم

۱ - پایا هسادی ۲ - براو عزیز ۲ - برج احمدی ۱ تنک آب احمدونه ۵ - تنک آب سفلی ۶ - تنک آب کهنه - ۷ - جگرلو بانتر ۸ - جلگرلو احمدی ۹ - جگرلو سید عباس ۱۰ - جگرلو محمد علی ۱۱ - جگرلو کلانتر ۱۱ - جگرلو آقابرار ۱۳ - حسن قورنو ۱۴ - خسروی ۱۵ - خراطها ۱۶ - غیل ناصر خان ۱۷ - دارخور ۱۸ - در بندحق ۱۹ - سید اطف الله ۲۰ - شاهسوار ۲۱ - قلعه سبزی ۲۲ - قلعه سند ۲۳ - قلعه شاپلوک ۲۴ - گرسد سفلی ۲۵ - گرسد علیا

آقای مدیر محترم نامه گرامی کوهستان

در مرداد ماه سال جاری اداره کارگزینی وزارت دارائی بنام ارتباط با اهالی محل ۲۱ و اینکه از گلبایگان بجهل دبگری منتقل نسایند بنده را از که ساده ترین کارهای هر اداره میباشد تغییر داده و ندانستم ارتباط با اهالی بر فرض صحت و در حالیکه قویا مورد تکذیب میباشد طبق کدام آیین نامه گناه کارمند و مامور دولت محسوب میشود

بهر تقدیر چهارماه میکند و با اینکه هنوز کسی بشغل قبلی بنده فرستاده نشده و عدها نقل و انتقال و انتصاب صورت گرفته بنده در حال لا تکلیفی و انتظار خدمت در تهران بسر میبرم و هر وقت برای تعیین تکلیف مراجعه با خوشروئی معمولی آقایان متصدیان امر در اداره کارگزینی دارائی مصادف و تبعه نیستم اطمینان داشته باشید صددر صد زندگی بنده با حقوق اداری میگذرد و زیاده بر این انتظار را قابل تحمل ندانسته و قادر نیستم طرز رفتار و روزگار تنگه با کارمندی ۲۵ ساله بی اندازه موجب تاسف و تنی دارم از وضعیت و کیفیت چنین کارمندی پشتیبانی فرمائید کارمند منتظر خدمت عبدالله کرد پور کوهستان - در این موقع که زندگی کارمندان از هر جهت مشکل و سخت است شایسته نیست بیجهت کارمند را از کار برکنار نمایند لذا انتظار داریم کارگزینی وزارت دارائی نسبت به تقاضای آقای کرد پور توجه خاصی مبذول دارند.

بواسطه يك رشته كم ارتفاع موسوم به کوه سفید (آق داغ) جدا میشود. حوضه های نفتی مزبور در ۱۷۰ کیلومتری کرمانشاه واقع شده مابین بغداد و قصر شیرین يك سرایشی ۴۰۰ متری وجود دارد و قهرا اگر نفت این جاهها استخراج شود محصول آنهار را به خلیج فارس با عراج حمل گردد

چاه سرخ که در رسوبات مارن دار واقع شده حوضه های نفتی آن مختلف است.

حوضه شمالی به عرض ۵۰۰ متر در پای کوه آهنگران و حوضه های دیگر آن در دامنه سفید کوه (بر رسوبات به عرض ۲۵ کیلومتر است و در این حوالی مکتبات ماری که دارای نفت است اکتفا قرار گرفته و از راست چپ کشیده شده در پای کوه بزلیان و در مجاورت کوه آهنگران سنگهای آهک تومنی نیک وجود دارد که قطعا متعلق به سن میباشند.

این کوه از سنگ کچو بهین مناسبت سفید کوه موسوم شده است تمام این تشکیلات جبال و حوضه نفتی دارای از فسیل و بقایه درمکان متعلق به سن میباشند

منابع نفت واقع بین سفید کوه و بر زبان بدو حوضه تقسیم میشود. حوضه جنوبی در مجاورت سفید کوه و حوضه شمالی در مجاورت کوه بر زبان

از حوضه های نفتی مذکور دوسوز شهرستان قصر شیرین از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس فقط با استخراج قسمتی از چاه های نفت شاه (۲) که در ۲۲ کیلومتری این شهرستان واقع است مبادرت شده و نفت خام این محل پس از متخصر تصفیه بوسیله پمپ لوله چهار اینچی که بطول ۲۵۱ کیلومتر کشیده شده است بیالنگاه کرمانشاه که در ۵۰ کیلومتری کرمانشاه در کنار رود قرسو (سیاه آب) است فرستاده میشود و در این پالنگاه که دارای ساختمانهای متعددی است مواد خام نفتی بتفویزین معمولی تبدیل و مواد تصفیه شده پس از تامین مصرف حوزه های غرب به نقاط دیگری فرستاده می شود.

این محل سابقا نقطه ها و با نطق کنکوش نام داشته و در مجاورت سرحد ایران و عراق است و بوجوب بخش نامه شماره ۲۳۲۶ خرداد ماه ۱۳۱۳ مرحوم داور وزیر اسبق دارائی نطق شاه تأیید شده است

اگرچه نفت در عالم تمدن بشریت اهمیت فوق العاده دارد ولی در اینجا بهت زبانی در این موضوع نگرش و نگاه کلان و سیاستمدار معروف فرانسوی که میگوید ارزش هر بقطره نفت مساوی با ارزش هر قطره خون است اکتفا نکرده و سپس بتصرف حوضه های نفتی قصر شیرین که عینا از کتاب جنرالهای طبیعی استاد محترم آقای مسعود کیهان استخراج شده است میپردازیم

حوضه های نفتی در حدود گندشیرین ر که های بزرگ نفتی موجود است ۱۰ این ر که ها در دامنه زاگروس و نواحی و دالاهو کوه و آهنگران کوه و سیاه کوه اند از شمال غربی بجنوب شرقی امتداد دارد. منتهی الیه آن هادر کرکوک و در نزدیکی سرحد قصر شیرین در دامنه شاه کوه است که بواسطه چشمه های نغمه مشهور میباشد. حوضه های نفتی مزبور بطرف شمال و جنوب ممتد و در نزدیکی پشت کوه و راه مرز نامحصره کشیده است قیرو کرپور ها در این قسمت زیاد است بعدی که اطراف ده لوران و تپه کذاب ورشته قلبان کوه تمام تخته سنگهای بیعتاری و پشت کوه که از دوره کرتاسه محسوب میشود قهری است از دجله تا خلیج فارس کرپورهای مختلف گندشیرین ۴۸۰ متر است.

چاه سرخ در جنوب کوه آهنگران حوضه های نفتی بسیار مهمی میباشد در حوالی چاههای نفت چلنگ و سیمی واقع است که چند تپه رسوبی حاصلخیز در آن ایجاد شده و از چاهک بین النهرین

۱ - انوشیروان عادل ایران را بچهار قسمت کرده هر یک را پادکی گفت و بنام یکی از جهات ارضیه نامیده شمالی (اواخر) جنوبی (شیروز) شرقی (خور آسان) و غربی (خوردان یا خربران)

بنام آقای مهدی اردلان

طبقه-اکم و اوضاع فعلی کشور

چنگ جهانی که مدت ۶۰ سال با شدت هرچه تمامتر دنیا را درخاک و خون کشید برای آزادی و مقاومت آزادی در مقابل زور و بیدادگری بود و بهین سبب قوه مقاومتی بوسیله ورود کشور های سیفته آزادی در چنگ مرتباً تقویت شد تا آنجا که قوه مهاجم در هم شکست و دول آزادهای که ایران نیز جزو آنها بود فائق آمدند دولت ایران در زمان چنگ از نظر موثرت جغرافیائی و گسکی که از راههای ارتباطی خود میتوانست بدول دوست و همجواریش اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان بنماید با آنها قراردادی بست و قشون متفقین را بخاک خود راه داد تا در حصول نتیجه تسریع خود آنها نیز بوجوب اعلامیه مشترکی حق حاکمیت ایران را محترم بشردند و مقرور گردید تا ۳ ماه پس از خاتمه چنگ ایران را تخلیه کنند و حال که چنگ پایان یافته میبایست که هنوز پیوسته مقرور رسیده بعضی از نقاط اشغالی خود را تخلیه کرده اند و تخلیه کامل ایران و تا شش ماه پس از چنگ مکرر و مکرر تشوین و تائبه نموده اند با این وصف کوچکترین خیال نسبت تجاوز به خاک ایران از طرف دول نامبرده آنهم بدست آذربایجانها و کردها که با کترین نزاد و رشید ترین فرزندان این آب و خاک که همواره در سختترین موافق امتحان وطن پرستی خود را داده اند قابل قبول نیست.

دول بزرگی که در بهرانی ترین روزگار دنیا مشعل دار آزادی بوده و برای آن ضایعات فراوان و خسارات بی حساب داده اند تا موافق بنگاهداری آزادی در دنیا شده اند هرگز راضی نخواهند شد این موفقیت کلی را با طبعی جزئی ضایع و بی انبوهی ستند و اعتباری خود را امضا و دامن خود را لکه دار و خلاف آنچه در دنیا اعلام داده اند رفتار نمایند و بدین محال که یکی از این دول چنین قصدی داشته باشد آید در مقابل دول دیگری که فی الحقیقه برای نگه داری آزادی تمام در چنگ گذارده اند تا مقاومت داده با این مقدمه وقایع آذربایجان را بایستی غیر از آنچه بعضیها منتسب بدول همجواری نتیجه تحریکات آنها میدانند دانست بلکه این موضوع معلول علت داخلی یعنی عدم تطبیق روش حکومت ایران با دنیای پس از چنگ است ایران با اینکه از قید حکومت رضاشاه نجات یافت ولی طبقه حاکمه امروزی او همان عمال رضا شاه میباشند که در لباس آزادی درآمده و گماکان بر این ملت ستمدیده حکومت میکنند و با اینکه ایرانیان در راه نجات آزادی دنیا منتهای سخنی و مقصد چنگ را تحمل نمودند تا بتوانند آرزوهای ان بهره مند شوند مهندا نتوانستند هیت حاصله خود را تیریداده و باروش دموکراسی موزون سازند و بواسطه وجود این طبقه دزد دغل که سیاست را وسیله تجارت قرار داده و برای استفاده شخصی خیانت جنایت و دزدی و ارتشاهرا رواج داده و برای ملت جریکاری گریستی فقر و فاقه بجای نگذاشته چنان احساسات را در خود مدفون نموده اند که ناله های ملت در قلب سنک آنها بی اثر و با کمال رفاقت و ترس از مجازات چنان بکار خود مشغولند که اقدامات ممدودی اشخاص وطن پرست چون آقای دکتر مسدوق کیلی حتی ملت را نیز بلا اثر و خنثی نموده اند و اعتراضات متوالی ایشان کوچکترین تغییری در روش ناپسند آنها نداده و این غلط مشی باعث فاصله طبقاتی بعدی شده که امروز جز عده ممدودی انگشت شمار که در سایه اعمال خیانتکارانه خود ثروت عمومی را جمع کرده اند بقیه بهشتترین وضع ممکنه با عسرت و تنگدستی زندگی کرده تا جائیکه قدرت ادامه حیات از آنها سلب شده و وضع معیشت عمومی بسرحد بن پستی رسیده و چون از طرف حادی راه رسیدن بنفعود بر ملت مسدود شده اجباراً برای از بین بردن این دست که مانند زنجیری خود را بیکدیگر چسبانده و از هم نگهداری میکنند یا از جان گذشتگی برای پاره کردن این زنجیر قیام و این اقدام را بکافه راه علاج دانسته اند تا مگر از این طریق حکومت ملی برقرار و در سایه این حکومت زندگی میسر شود اما عناصر پرست در قبال این اقدام اصلاح طلبانه با تهلانات مسموم خود میخوانند حقایق را برخلاف آنچه هست جلوه دهند تا آنجا که عناصر اصلاح طلب و باغی و متعاسر قلمداد کرده افکار عامه را بر طبقه آنها

بنام آقای ت. امنیانی

وظیفه ما

وظیفه را اول باید در خانه آموخت
ساموئل اسمایلز

وظیفه و ازه ایست که مدار و محور
تمام تضایب بشمار میآید. ایجاد کائنات و
خلقت مخلوقات نیز بسطویر انجام وظایف
خاص بعد آمده، زندگی با تمام مظاهر
مختلف خود غیر از ایفاء بگریخته وظایف
بجز دیگری نیست :

یکی از بزرگان میفرماید: هر کس
دور از زندگی خود بنشیند قزاقی است در سرست
خود.

کیسکه توانست وظیفه خود را در
زندگی بطرز احسنی بجا بیاورد ممکن
لیست و روحیات خود بشکستهای طاقت فرسا
دچار خود و در جاده منلویت بیرامه
داخل گردد.

وظیفه چراغ هر خاستیست که ما را
از بیخ و شمای دوران حیات رستکاری
میبخشد.

وظیفه بیکر در کار زندگی است

شورایده تا همچنان بر سر خود سوار باشنه
مجلسی که تا کنون آقدر رستی بهر چه داده
و بدخل مجلسی بی اهتا بود این روزها
بغالبت افتاده و مرتباً تشکیل جلسه میدهد
و بجوایه و حیل و کف و کشتار و کشت
مردمی که بدست خود با شمشیر کشیده فرام
سازد و با وجود اینکه مشاه این انقلاب
محرز است میخوانند آنرا خود دیگر
جلوه داده دست دولین انگلیس و آمریکا
را در موضوع داخل کنند و بروحیات اوضاع
بفرزاند آقای حکیم الملک هنا که امروز
در این ملک وجهه آزاده خواهی و وطن
پرستی دارید در این موقع که مجلس
مزهور از روی اضطرار و ناچاری شارا
برخلاف مصالح شخصی خود روی کار آورده
باید بدانند که این ملت ستمدیده بیه
همه چیز را برای اصلاح وضع خود بیه تن
مالیده و آتش دورنی ملت افروخته و مامه
ستمد شده: هر لحظه اوضاع اجباب نماید
دست بکار اصلاح شود پس اگر فکسر
اصلاح دار به باید هاجلا در فدان و خائین
و عسده جوین را که اکثر مصادر امور
ملکتی را در دست دارند از کار برکنار
و معاکه و هدیدا مجازات کنند و جریان
سیاسی و اقتصادی ملک را با دست اشخاص
صالح بر محور وطن پرستی بگردش آورید
تا مردم را امیدوار و از قیام آنها جلو
گیری کنید و الا منوسل شدن بقوه زور
جز برادر کشی بنفع همان عده ماجراجو
فایده نداشته و اوضاع روز بروز خست
شده و این آتش که تازه افروخته شده
آقدر زیاده خواهد کشید تا آنجا که
تمام ملک را فرا گیرد.

ناتوانه بوسیله آن امرار معیشت خود و
عائله اش را تامین نماید فرزندان را به
بنور علم و معرفت آشنا سازد، دور و نزدیک
خود را دستگیری و کمک کند، برای تنالی و
ترقی موله و میهنش بکوشد.

ایشها وظایف هر شخص در مراحل عمر
میباشد حالا تصور فرمایید کسی از این -
وظایف سر بیچی کرد و خلاف این دستورات
را در پیش گرفت: چه خواهد شد؟ نتیجه
معلوم است و محتاج بتذکار نیست، که چنین
کسی نه دارای سر و سامان بوده و نه
اولادش کامیاب و بر خوردار میشوند نه
میهنش روی و فاقه و - و عبران و آبادی
خواهد دید.

همچنانکه وظیفه آدمی در پیشگاه
خدای متعال واضح و مبرهن بوده و عبارت
از عبادت و اطاعت میباشد هر فرد نیز در
قبال مشوع هسایه مهربان و بلاخره -
فرزند و والدین و جامعه و وظیفه داره که
ناچار از ایفاء آن خواهد بود حالا اگر
بجای انجام وظیفه عناد و لجباعت و سر کشی
و طغیان و زرد بدی بی است خسران و زیان
این عکس العمل بآنتیجه دامنگیر اوشه
و متدرجا ضررهای منوی این سر بیچی را
خواهد دید.

وظیفه آدمی نیکی کردن است و هر
شخصی موظف است تا میتوانه خوبی کند
وقتی اشخاص خیر و نیکومش اکثریت
یافتند طبعاً جامعه رو باصلاح و ترقی میورد
و ای بر جامعه ای که افرادش بیبروی نفس اماره
و شهبوت شیطان را بپروری و وظایف مندوسه
گذاشته و برای ارتقاء و نیل با مال و جاه
وظیفه منوی و اناسایت را منسحل و باعمل
سازد.

برای انجام وظیفه چند اشک لباید
داشت چون مخلوق برای ایفاء وظیفه ایم
در بر آوردن وظیفه تقاضات را بسحکه
و جدان بیبرید و عاطفه شخصی را در اطراف
و جوانب آن دخالت دهید و آرترا بیاورس
عمل و ادراک بسپارید.

اطمینان بفرمایید با این ترتیب وظیفه
شما از اختلال و شایبه مدفون و مسون خواهد
ماند و راه حق و حقیقت را پیش میگیرد
هر روز صبح وظایف مربوطه بخود راه
خاطر آورید و بطور منظم آنها را در
دفترچه خاطرات یادداشت کنید که ناشام
گاهان باچه احساس تناس خواهد داشت
و وظیفه شما دور بر این است؟

چون شب بسر آید و شما وظیفه خود
را بنحوی نیک و بزرگوارانه بجا آورده
باشید آن شب را در پیشگاه خدا و خلق
بی دغدغه آسوده و فارغ البال بسر میرید
قلبا و وجدانا راحت و در آسایش خواهید
بود در غیر اینصورت نیز نتیجه واضحست
که باچه تنگنرات و آلام و اسقامی دست
بگیریدان خواهد شد.

پس انجام وظیفه بینی کن
که راحت و سعادت دو جهان در
آنت.

بقلم آقای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

گردوگردستان

-۳۶-

سنه اردلان

«حکومت مصطفی خان اردلان»

پس از عزل سبغانوردیخان مصطفی خان برادرش پسر عباسقلی خان در سنه ۱۱۴۸ بحکومت کردستان مامور و نظیر علی بیگ بوکالت اومین گردیده است و در همین تاریخ محمود سارانی در جزیری یاسه مد سوار بکردستان تاخته عسارت زبادی برده است.

در محرم ۱۱۴۹ مصطفی خان اردلان بفر حکومت ورود نموده پس از سه چهار ماه حکمرانی بواسطه بی عملی و بیعرضگی اهل ملک بر او شوریده او را بیرون کرده اند و در اسفهان بیمار شده از دنیا درمی گذرد دوباره سبغانوردی خان در همان سال حسب الامر نادر شاه بامر حکومت برقرار و روانه کردستان گردیده است.

«حکومت سبغانوردیخان اردلان»

«نوبت دوم»

پس از رفتن و مردن مصطفی خان در اسفهان دوباره سبغانوردیخان درجبه ۱۱۴۹ مامور کردستان شده برآمدند بحکومت جلوس نموده مدت چهار سال و هفت ماه بامر حکومت اشتغال یافته در سنه ۱۱۵۳ نادرشاه پس از مراجعت از سفر هندوستان و رفتن او برای تسخیر خوارزم و تادیب «ایلدارس» والی آن مملکت سبغانوردیخان را بعرضه طلبیده احمد سلطان پسر سبغانوردیخان را که همه جا در رکاب نادری رشادت ها و جان نثاری های قابل تقدیر نموده است بحکومت کردستان و لقب «خان» مقرر و سراسر اراز عیار دارد.

(حکومت احمد خان اردلان)

پس از احضار سبغانوردیخان احمدخان پسرش در جمادی الاول ۱۱۵۳ برآمدند حکمرانی نشسته و از ابتدای خاک موصول را تا انتهای خاک همدان بیعنه اقتدار خود در آوردند و با شرکت و عظمت هرچه تمامتر مشغول حکمرانی شده است در سنه ۱۱۵۴ هجری که نادر شاه متوجه داغستان میشود چون دو سفر هندوستان رشادت های محسوسه العقول از احمد خان مشاهده نموده بوده در این مسافرت هم وجوه احمد خان را لازم میدانند احمد خان را احضار و وسبغانوردیخان پدوش را بجای او (نوبت سوم)

از مجله کلاویز

یک غزل از ناری

مده تیکه من گرفتارم به دمس سه ودانه و
بوم به داری بیچی زولف و به چه می تانانده
که رده برسی حالی به روانی دلم دوری له زوت
واله سوزشده اله صابیه شه و جرای گونانده
میشی خالت نازری بهس باوه شینیکه به ناز
چونکه پابه نده به فهدی رومه تی زیانده
منی قولایی مؤزمی ناکم له را کیشانی دل
بواسیری زولفی خاری خوبه خه و نه بیانه وه
چاری شو نغواری به شو نیم فیرموک لیوی به می
لی که رین ایوه و خواته و مهسته بایی خواته
واسه درمانا به رده منی به رده بازی ریکه کت
مهره می ددردی سوری من و ابه که ردی بانده
شاهی چاوت ملکسی صبر و ناهه نی بردم به زور
مصطفی روی توبه گزیاهی که که نه مدانده
له پشه که رده رومه به زولفت باوه شینی لی که
میشی روحم که رده شینیتو به قه ندی چانه وه
خطی ددرسی عشقی «ناری» وه که رقوم خاله کت
وابه له و سه می که ردنی بی که ردی وه که میتانده

آجا میشود

از اینطرف هم که خبر فرار احمد خان پسرش نادرشاه میرسد سبغانوردیخان پسر احمدخان را بیکریگی طهران نموده در سنه ۱۱۵۶ مولاوردی خان قاجار قزوینی را بحکومت کردستان اعزام میدارد حاج مولا ویردی خان که بکردستان اواد میشود بواسطه تبانی مشرب و اختلاف مذهب و فقدان عقل و مدرك بحکومت بکمال طول انکشیده موزول و سبغانوردیخان نوبت چهارم بحکومت کردستان نایل میشود و قریب هزار سوار افغانه و خراسانی هم بسرفاری محمد رضا بیگ کرچی (پسر بابا کریم نام) برای ساغلو کردستان بهوان (نیابت) در مینت سبغانوردیخان حرکت میکنند و حسب الامر نادری از بیات انبارهای دولتی مبلغ ده هزار تومان بعنوان جیم از ابراهیم بیگ که در آن زمان و کبیل بالاستقلال احمد خان بوده در بیات میبازد محمد رضا بیگ سردار سواره افغانه شخصی هرزه گو و درخشخو بوده است اهالی از آتش زبان او بستوه آمده خیال شورش داشتند که او را بیرون کنند از قضا در ۲۶ جمادی الاخری ۱۱۶۰ هجری غیر قتل ادر شاه بکردستان میرسد سبغانوردیخان فوراً محمد رضا بیگ را با چند نفر از روسای افغان و خراسان بغلوت خواست و قتیله قتل نادر شاه را با آنها می گوید و هنوز که اهالی مستعشر نشده اند بیکزار تومان پول و ده غلنت با آنها میدهد و همه را تشابه رواه میباید فردا که اهالی از غیر قتل نادرشاه و فرار محمد رضایک آگاه میشوند بجزم انتقام زشتگوئیهای مشار الیه در مدد تعاقب بر می آیند

سبغانوردیخان مانع میشود مدت هفت ماه که از اینقدمه میگردد از جانب ابراهیم خان برادرزاده نادرشاه که بدایه سلطنت قیام نموده خود را (عادلشاه) خوانده بحکومت کردستان بعصطفی خان اردلان واگذار میشود سبغانوردیخان هم در سنه ۱۱۶۱ در همدان داعی حق را لبیک کتت برای جاودانی میباید و نش او را بکوه شیدای کردستان برده در کیند شیدا که بر بالای کوه بلندنی واقع است دله میکند مدت بحکومت سبغانوردیخان در کردستان هینجه سال بوده است و در این مدت هشت مرتبه منزل شده و بار منسوب کشته است.

(حکومت حسنیه خان اردلان)

در تاریخ ۱۱۶۱ هجری حسنی خان اردلان برادرزاده سبغانوردیخان حسب الامر (عادلشاه) بحکومت کردستان مقرر گشته شروع با بادی ولایت و حفظ حدود و سد تنور میباید در ۱۲ ذی الحجه ۱۱۶۲ که اساس خان خانی و ملوک الطوائفی در ایران حکم فرما بوده است امام قلیخان زنگه در کرمانشاه جمعیتی از طرایف کلهر و گوران و زنگه و سایر هشایر و ایلات کرمانشاه جمع آوری نموده و بنای تاغت و تاز باطرات و خاک کردستان میگذازد حسنی خان هم تاب تحمل یاورده

بک نامه کردی اقتباس از روزنامه کردی ستر

چند وروباه

چندی بر بالای بلندی آشیانه ای ساخته بود که چند متری از زمین فاصله داشت و در این آشیانه بچه های خود را پرورش میداده و روباهای در آن نزدیک هم مسکن داشت و هر سال موفیکه بچه های چند قدری بزرگ شده میخواستند پرواز کردن را یاد بگیرند نزدیک آشیانه رفته چند را صدا مینزد و میگفت بچه های خود را برای من بیانداز چند ابتدا تنگین نکردند بجز ولایه میبردند ولی روباه نالاولی را تهدید میکرد که اگر چه هارانیانند ازین لایه اترا خراب خواهم کرد. بچاهم چند از ترس جان بک یک چاه را از این می انداخت و روباه آنان را خورده و میست یکی دوسال روباه بدین ترتیب بچه هارا میخورد. سال سوم رسید. چند از این عمل روباه بسیار نگران بود زیرا میدید اگر این عمل ادامه داشته باشد بدون اولاد از جهان خواهد رفت و این نیز خیلی او را ناراحت کرده بود خصوصاً اینکه چند روزی پیش بوعده مقرریانی نمانده بود نگرانی و غم او اش از حد گذشته بود با خود فکر کرد که باید اعمال هر طور شده بچه هارا از شر روباه در امان بگذارد ولی نپیداست چه باید بکند. چیزی که بخاطرش رسید این بود از تبه ای که هر نامه کسی از آشیانه اش واقع شده بسره گذشته آنطرف برود شاید کسی را بیاید که باو در حل این مشکل کمک نماید این تصمیم را عملی کرد. از آشیانه پرواز نمود. از تبه هم گذشت در آنطرف مرغزار سبز و خرمی دید که گوسفندی در آن مشغول چراست.

آنکه میکت کرد و با خود گفت این گوسفند که پنهانی در این مرغزار میچرد از هر خطری تا بحال خود را محفوظ داشته طعام خواهد توانست با همان آتشه و اقتداری که در حفظ خود بکار برده مرا نیز راهسانی کند و با این فکر بیجان گوسفند پرید. در نزدیکی او پائین آمد.

گوسفند صکه بدون مقدمه چندی را نزد خود دید پرسید: ایجاد چیستجوی چه هستی؟ چند بیرحمی روباه و ستم و جوری را که بر او روا داشته بیان کرد گوسفند گفت تو با این کله بزرگ چرا ایقدر حکم عقل هستی که با وجود اطمینان از اینکه آشیانه ات در مکان مرتفعی است و روباه بچوسپله نمیتواند بدان دسترسی داشته باشد از او بیمناک هستی و تقاضای بی معنی او را اجابت میکنی. فوراً آشیانه خود باز کرد و هر وقت روباه آمد میگفته هایش و قسمی میگذار و هر وقت تهدید کرد که آشیانه ات را سرنگون خواهد ساخت بگو هر چه میتوانی بکن و اگر از تسو پرسید کی تو را راهنمایی کرده نام و نشان مرا باو بگو.

چند شاد شد و بادی خوش با شیان بازگشت. چند روز گذشت و روباه بر سهیل عادت آمد. بانک بر آورد بچه هارا بیانداز. چند امر او را نپذیرفت و روباه تهدید کرد چند پند گوسفند را بخاطر آورد و هر آتی بهر جادو گفت هر چه از دست بر میآید کوناه میکن.

روباه دید تیرش بسنگ خورده چند بی شود تغییر رویه داده دانست کسی باو یاد داده است گفت من صرف نظر میکنم ولی تو هم بگو بدانم کی بتو راهنمایی کرده صکه حرف مرا گوش نداده اینطور گستاخانه جواب دهی. چند گوسفند و مکاشش را بر وباه گفت.

روباه فوراً بان سو که چند نشان داده بود شناخت. گوسفند را دید که در مرغزار میچرد آهسته آهسته پیش رفت چون نزدیک شد گفت چرا روزی مرا بریدی و چند راهنمایی کردی که بچه هایش را برای من بیاندازد گوسفند انکار کرد و گفت من به چند چیزی نگفته ام و روباه با اصرار گفت تو گفته ای. مشاجره ای در گرفت گوسفند گفت من سو گند میخورم که چنین راهنمایی بکرده ام و روباه گفت من هم سو گند میخورم که تو گفته ای گوسفند قبول کرد که روباه سو گند خورده و گفت بسیار خوب باید با آن طرف رو کرده و به هم پیش روی و بدولی. بان شمس چند را از قسم توبه چند گفته ای پس از اینکه این سو گند را خوردم من بچه های چند را برای تو خوردم آورد.

روباه قبول کرد سه قدم بان سو که گوسفند گفته بود پیش رفت و گفت «بان شمس...» و همینکه خواست بقیه عبارت سو گند را ادا کند چشمش به دو چشم بران سگ درشتی که در زیر بوته علف خوابیده بود افتاد دیگر جز آن ادای بقیه کلمات را نداشته برگشت و به گوسفند گفت احتیاجی بسو گند نیست من اطمینان دارم که توبه چند نگفته ای. این را گفت و قبل از اینکه سگ بدینالش روان شود فرار کرد.

روباه از این عدم موفقیت سخت اندوهناک شد و راه با خود فکر میکرد که باید انتقامی از گوسفند بکش و بیایین فکر و خیال میرفت که گرگی بیاباد او را برای کشتن گوسفند ببرد چند قدم که رفت بگرگی رسید که روی زمین خوابیده بود پیش رفت و گفت: رفیق عزیز چرا ایقدر پربشانی و چرا اینطور موهابیت ریخته. گرگ گفت خداوند مرا بخت برگشته خلق کرده هر چه بیشتر میگردم کم روزی تر هستم. هیچ طعمه ای بدست نیآوردم.

روباه گفت غصه معنور من بسراپت طعمه خوبی سراغ کرده ام. گرگ بیخیال اینکه روباه مکار او را مسخره میکند گفت حال شوخی و حوصله تفریح ندارم. روباه کت شوخی و تفریح نمیکنم چون حال تو را بریشان دیدم در عالم دوستی خواستم کمکی بکرده باشم حال که میخواهی بسیار خوب من هم راه خود را پیش گرفته میروم و این را بگرگ دیگر میگویم که

بقلم آقای میر محمد علی مشیری (مشیر الاشراف)

سبحانک هذا بهتان عظیم

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان - گریه در شماره ۲۶ آن گرامی نامه مختصری از حالات اکراد تک کرده ام ولی چون در بعضی از جرایدهم کردیم که نسبت باین بیصاحت بیگناه اتهام ناروانی زده شده است که حقیقتاً قابل قبول نیست و انسان منصف را مکتور و ملول مینماید جنبه انصاف و ادالرم نمود که در مقام دفاع برآمده و بگویم سبحانک هذا بهتان عظیم زیرا این جمله مسلم است که اکراد پاک نهاد ایرانی نژاد موافق مذهب اسلام حب وطن را بنام معنی درد لهای خود جای داده اند و کشور باستان ایران را خانه و میهن اصلی خود میدانند و چنانکه گفته اند ممکن است که سرپرود ولی بکوجب از خانه و میهن از دست نرود - در حفظ حدود و ثنور وطن ندیم و مدفن آب و اجدادی خود ثابت قدم هستند و این سنت اسلامی در وجودشان مخمر است چه آن که با شیر اندرون شد و با جان بدرود با انتقال چگونگی ممکن است که انتشارات بی مغز و بوج را حمل بصدق نمود و تصور کرد که چنین اشخاص شیوری قائل به تجزیه خانه خود یا خرامات دیگری خواهند بود بنابراین شایعات مذکور دروغ محض و محض دروغ است ممکن است که انتشار دهند کن دوچار اشتباه شده و با بدون تفکر و تعقل مبادرت به نشر این اوجیف کرده باشند که در نظر ارباب بعیرت و اطلاع هیچ گونه قدر و ارزشی نخواهد داشت و هرگز نسبت بی اصل و اساسی درباره کسان بیگناه تاثیر نخواهد بخشید باین اعلاط میتوان اکراد ایرانی نژاد را از نسبت مزبور منز و مبری دانست - هر گاه فرض شود که خبری از انجمن جوانان عراق رسیده است افلا بقاعده الغیر یعنی الصلح و الکذب نمیتوان قطع بصحت آن حاصل نمود تا نایب با چه مجوز و منطقی میتوان عمل عمرو را منتسب به بکر نمود و از حکم محکم و لایزروا و از ژورنالیستی قائل بود لدا مسلم است که خبر نامبرده در جراید عاری از حقیقت میباشد و اکراد ایرانی از این اتهام مبری هستند البته اولیای محترم دولت است که از شاهانه اخبار کاغذی که مضراحت آن حاجت بدگر و بیان نیست جدا جلو گیری و قدغن فرمایند و از اکراد خدمتگذار با کتبا هم تشویق و توازش شود که تا نساله جبران اتهامات بعمل آید - در خانه این قسمت را نیز باید دید با یاد آور خوم مطابق اطلاعات واصله طرز فعالیت لشکر تملی گردستان در اعاده و حفظ امنیت آن سامان وطن پرستانه و رضایت بخش میباشد و ملاذ آن است بن آرد کشور آرایش برقرار است فرماندار صلح آن جا هم که از مناصر صالحه مملکت است در حدود و وظایف خود باصلاح امور میپردازد - امید است که با مساعدت و محبت فرمانده محترم لشکر و رعیت تمام صفاه گردستان پیش از اینها وضایت بخش گردد.

از من منور، شود. گرگ دید صحبت روباه قدری جدی است گفت بسیار خوب برویم به بینم چه طعمه ای برایم انتخاب کرده ای روباه گفت شرط اصلی این است پس از اینکه او را کشتن سهمی هم برای من بگذاری کرک قبول کرد. هر دو براه افتادند روباه از دور گوسفند را بگرگ نشان داد کرک سینه ای صاف کرد و فوت قلبی بخود داده بگرگ تبه بطرف گوسفند حمله ور شد هنوز بگوسفند نرسیده بود دو سگ قوی و درشت بجانب او پربنده تا کرگ خواست فرار کند او را از دو طرف گرفته بر زمین زدن بیچاره کرگ دست و پا میزد و تلاش میکرد چیزی نمانده بود که خفه شود و بختش موافقت کرد هر یک حرکت نا امیدانه از میان بجهای سگها بدرجسته فرار کرد. روباه از دور این اوضاع را مشاهده مینمود و دید کرگ موفق بفرار شده خود

چاپخانه کشاورزی
تلفن ۹۷۸۷

تلگراف و نامه‌های وارده

از کردند

چند روزی است هر چه جنس به بازار وارد میشود از طرف چند نفر خریداری و نگاهداری میشود این امر موجب ترقی فاحش بهاء اجناس شده روشن از سه کیلو ۱۸۰ ریال ۵۰۰ ریال ترقی کرده و گندم از هر کیلو ۵۰ ریال به ۷۰ ریال رسیده است یکسال و نیم است قماش داده نشده شکر در دو جای مخلوط واقف برای ۱۰ ماه اول سال داده اند از پنج ماه دیگر خبری نیست نرخ توتون و طرز خرید آن موجب عدم رضایت مردم شده

رئیس بهداری دو ماه است به ملازم منتقل شده و امور بهداری به پدیده بهشتاری واگذار گردیده است

خانه شیانی نام سرعت رفته در حدود دهم اوربیل اشیا و اثاثیه مورد دستبرد بوده است

قصر بیجاوگی از هر حیث گریبان گیر مردم میباشد

از سقز

نامه‌ای بامضای چند نفر بدفتر روز - نامه رسیده و از عملیات آقای سروان سلیمان منصوری که مدت یکسال در سقز تصدی

حوزه نظام وظیفه را داشته است اظهار استان لوده اند

تلگراف شهری

مقام تشکیلات ژاندارمری رونوشت کوهستان - بنده ابراهیم خالدیان ساکن قاملو دهستان اسفند آباد سندیچ چهل شب قبل هستی بنده که ۳۰۰ ریال گرفته بوده سرعت شده به منگ کریم اول برده اند استوار صدیقی گروهی را بخدا بنده از قروه و دهکان به محل رفته ترضیه شان بدولت آورده اند و حق بنده را بیاضیل نمودند استعدای عاجزانه دارم امر اکید صادر فرمایند هنگ سندیچ مامور باوجدانی به محل ترساده اقدام به استرداد گرفته دهام بشاید محض رضای خدا ترحمی بحال ده نفر عاقل بنده فرمایند

کوهستان - این اولین بار نیست که از این ناحیه شکایت میرسد

بطوریکه املاح میدهند نه تنها رعیت بلکه مالک هم در این قسمت آسایش و تامین ندارد بنابراین انتظار دارم اداره کل ژاندارمری توجه مخصوص داشته دزدان و خصوصاً آتشی و آراک و آتشی دزدان هستند جدا تعقیب نمایند

برای استحضار اهالی محترم سقز

متنی است آقایان مشترکین محترم نامه کوهستان برای روشن شدن وضعیت معاش خود و همچنین پرداخت وجوه اشتراک در اسرع وقت بدین نمایندگی واقع در سرای اتحاد مراجعه فرمایند. نماینده نامه کوهستان - کلاهی

پلی کلینیک تهران

پلی کلینیک تهران که دارای بخش های مختلف پزشکی است تحت نظر آقایان دکتر عبدالحسین اردلان دکتر هوشنگ ظلی و دکتر جهانگیر جهانشاد اداره میشود. آدرس تهران خیابان سوم اسفند اوقات پذیرائی صبح و عصر.

مهمترین وقایع هفته گذشته

بقیه از صفحه ۱

شوروی، انگلستان و با امریکا نیرو های مسلح خود را بطوریکه لازم میدانند در ایران بحرکت آورد.

دولت کشورهای متحده امریکا چنین استنباط میکنند که هر يك از فرماندهان شورویکه از حرکت آزادانه نیروهای ایرانی جلوگیری نموده باشند ممکن است بدون تصویب دولت شوروی اقدام کرده باشند.

چنانچه فرماندهان شوروی در این خصوص بدون دستور عمل ننموده اند چنین تصور میشود که دولت شوروی تمایلی برونق اعلامیه مذکور برای آن ها صادر ننماید. بهر صورت وضعیت صحنه فعلا ایجاد شده است دولت امریکارا متقاعد ساخته است که منافع مشترک همه در اینست که نیروهای شوروی و انگلیسی و امریکائی بدرنگ ایران را تخلیه نمایند. تا وقتی که یکی از این نیروها در خاک یک دولت دوست باقی بماند حوادث و سوء تفاهات ممکن است واقع شود.

۴ - بدداشت دولت انگلستان

سلب کبیر انگلستان در مسکو نیز پاداشتی بوزارت امور خارجه شوروی تسلیم داشته در آن مینویسد: نظر دولت متبوعه من کاملا بجاست که دولت ایران در خاک خود خواهان استقرار نظم باشند و کاملا مشروع است که نیروهای تامینی خود را این منظور در سراسر کشور خود سرکوت دهند.

طبق ماده ۱۰ عهدنامه بین دولت شوروی و انگلستان و ایران مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۶، دولت شوروی و انگلستان، متعهد به احترام داشتن تمامیت ارضی و حق حاکمیت و استقلال سیاسی ایران شده اند و ماده چهارمین بیان مشرک است بر اینکه: حضور نیروهای متفقین در خاک ایران، جنبه اشغال نظامی ندارد و تا میتوان از مداخله هر اداره امور و نیز امور نیروهای تامینی ایران، مندرخواهد شد.

بلاوه بر اعلامیه سه دولت بزرگ درباره ایران که در تهران، در اول دسامبر ۱۹۴۳ صادر شده، دولت اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان و امریکا علاوه خود را در استقلال، حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران ابراز داشته اند، لذا دولت متبوعه من احساس میکند که عمل مقامات نظامی شوروی در متوقف ساختن نیروهای ایرانی، هنگامی که بسوی آذربایجان حرکت کنند، تهاجمی در عمل بوده است. دولت متبوعه من اعتقاد دارد که دولت شوروی خود را قادر خواهد دانست که بفرماندهی خود در ایران دستور دهد آزادی عمل نیروهای ایران را سلب نکنند و مداخله ای در اعمال حق حاکمیت در استقرار نظم در خاک ایران ننمایند.

و حوالی آزارات بود. از آنجا که میخواستیم فقط تاریخچه مختصر آزارات را بنظر خوانندگان برسانیم از حرکت فدائیان ملی که در راه استحصالی آزادی کرد در نقاط مختلف کردستان با قوای ترک در زد و خورد بوده تعدادی های خارق العاده میشوند. بعضی تسویم. این فدائیان پس از سقوط آزارات هم حرکت خود را دنبال کردند خصوصا در نواحی کوهستان های ساسون و در سن بقسی که امیردکتر کامران بیک بدرخان هم در مقاله ای که بنام کردستان در روزنامه خود «دوژورنو» که بزبان فرانسه در بیروت چاپ میشود نگاشته است. این حرکت مایهون تا سال ۱۹۳۸ نیز ادامه داشته است.

سقوط آزارات زبان زمانه داران و قلم نویسندگان ترکیه را جانی داد معصود اسمدیک وزیر عدلیه جمهوری ترکیه در نطقی که در شهر امیش ابراه بوده روزنامه طلیت در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۰ آنرا منتشر کرد در حدود حاکمیت جمهوری ترکیه سیاست برتری نژاد ترک را اعلام داشت و گفت

«دوست و دشمن باید بدانند آقای این ملک ترک است. کسانی که در رگهای بدنشان خون صاف ترک نداشته باشند در وطن ترکیه فقط یک حق دارند آن هم نوکری و بنده گی است» (ترجمه از الفضا الکردیه)

نقطه ضعف خط معاصر معلوم شده بود. فریب مواشی را بجا گذاشته با زن و بچه هایشان از او نقطه شروع به خروج نمودند دست اول با یک حمله شبانه ای معاصر را شکست روز دیگر چند ساعت از روز گذشته خارج شدند دست دوم برای اغفال دشمن باستقامت قورخان رفته روزها آنجا گذرانیدند شب دوم رهائی یافتند. همه ای هم از قورخان بداخل ترکیه پراکنده شدند از این عده رشوی سلو رئیس جنگاور طایفه بهسکران با عده خود مدتی در منطقه کلی زیلان اقامت گزیده شکست هایی به قوای ترکیه وارد آورد ولی عاقبت در جنگی کشته شد. باین ترتیب آزارات، آن مرکز آزادی کرد بدست ترک ها افتاده بوده سیاست کردکش از هر طرف شروع شد.

فرماندهی ترکیه در انتای جنگهای آزارات به خالد آقا رئیس ایل جلالی ایران که از طرف فرماندهی ماکو شریک هائی خورده بود بینامهای شلمی و کتبی فرستاده او را تطبیع و با ایل خود ترکیه دعوت می نمود. مشارالیه پس از سقوط آزارات از ترس دولت ایران با ایل خلکان ترکیه مهاجرت نمود.

در شماره گذشته بناسینی توضیح دادیم که دامنه قیام ملی کردستان بنام مرکز آزارات تا بسرخد سوریه و عراق کشیده شده معاصر بکوه

کوهستان

باداشت سفارت شوروی

بقیه از صفحه ۱

فساد مبارزه کنیم و تا این کانون قادر به بر تو افکنی اشته مرک باشد مسا نباید تحولات اساسی را در اوضاع خود منتظر باشیم.

وزارت امور خارجه ایران باداشتی به انعقاد چهارم شوروی تسلیم میکنند و آن غلطی را ذکر میکنند که اینجاب میکند قوای منظم دولت ایران به استان های شمالی ایران برود، سفارت شوروی جواب مکتوب میدهد، این چه منی دارد!

اگر ایرانی هست، اگر ملتی وجود دارد، اگر دولتی ملی و مجلس ملی دارد هیچ دولت بیگانه ای ولواتیکه دوست و عزیز هم باشد حق ندارد در امور داخلی او دخالت نماید.

لازم نیست که دولت ایران اجازه بخواهد که مثلا لیبال دارد دو گردان نظامی به قلان شهرستان بفرستد، موظف نیست که علت نقل و انتقال نظامیان خود را شرح بدهد.

ولی غیب اینجاست که مجلس مامجلس ملی هست و دولتی را که بر سر کار می آید اکثر مورد توجه و علاقه و با اعتماد ملت نیست. بگذریم از اینکه رهبر دولت فعلی مورد علاقه و اعتماد مردم است و چند تن از وزیرانش هم مورد اعتماد و شواید بهائی هم فعلا بکار دعوت شده باشد ولی در حال حاضر هم مردم اطمینان ندارند که مجلس بدون نظریات خاصی بدون تحویل و بدون فشار و بدون باج نامدنی جدا و خفیة از آن پشتیبانی کند. اگر اقلا این اطمینان خاطر بود شاید بسیاری از مشکلات حل میشد.

ولی وقتیکه مجلس مسا از دست نشاندگان اجنبی تشکیل یافته و متکی به ملت واقعی نیست اقدامات آراهم دیگران اقدامات ملی میدانند از این جهت تصمیمات آنان را جوابی نماند خواهند داد که فراخور خود آنان باشد.

اگر در جوابی که سفارت شوروی بیاداشت وزارت خارجه داده وقت کنیم خواهیم یافت که این جوابی نیست که یکدولت بزرگ آزادخواه که ظمدار آزادی ملل است بیگانه ملت ضعیف دوست و همسایه داده باشد بلکه جوابی است که آمیز و جوابی است حساسی از هم رضایت آنها نه از ملت ایران بلکه از همان طبقه حاکماتی که خود ایرانیان هم از آنها بیزارند.

بنا بر این برای اینکه از دخالت

اوضاع کاسته شود و برای اینکه دولت حاضر بتواند از بحران های کنونی و خطرات آتی جلوگیری کند قبل از هر چیز کوتاه کردن دست های ناپاک آلوده و رنگین است از کارهای حساس.

اگر آقای حکیمی که مورد علاقه و اطمینان عامه ایرانیان است بتواند در این راه بدون فوت وقت قدم های موثر بردارد علاوه بر اینکه میتواند اطمینان مارا جلب کند مردم را نیز بآئیه منگت اصدوار ساخته و میتواند وجهه ملی خود را باین روی ملی پشتیبانی نماید بدین ترتیب بر کترین خدمت و احترام این اوقات تیره یعنی بیگت و منگت بشما بخواهی هرگاه ایشان قطع ان ایادی ناپاک را بشکست و مطالعه و جلب رضایت اغناس و نظیر کلان و غیره موکول کنند وقت گران بهاء و ذوق حساس را بیپوده از دست داده منگت را دچار بحران های تهدید تر خواهد ساخت بدینوی است در این حال چاره ای جز کوتاه گیری نخواهند داشت.

سلام بر تو ای کوهستان

سلام ای اختر فروزان و ای ستاره آسمان تاریک کوهستان. بر تو مه فشانیت نور علم و دانش و معرفت و بینش را در قلوب پاک این دور افتادگان مپجور تابان نمود و انگسرس احساسات شاه دوستی و مپهن پرستی را فروزان آری براسنی ستاره تابانی و اختر فروزان.

زمانی که دست ناپاک دژخیمان آن ماه تابان را خسوف نمودند و چند گاه در پس ایرهای سیه قامی پنهان شدی انکار ملت و خواطر شیفته گان متوجهت بود و با چشم انتظار، انتظار طلوع نور افشانیت میکشیدند.

درود بر تو ای بگانه فرزنده دلیری که برای دفاع از حقوق حقه ما مپجورگان دامن همت بر گمر زده و از تمام ایات نامی هراسی. شاه و جابود باش ای مایه امید برومند باش ای نهال غرم. آگاه باش که دیگر چهار دیوار زندان مانع اشراق فکر آزادیشو اهان نیست.

دیگر نمیتواند کلید زبان را ببندد و خامه توانا و خنک و ریشکنند این بود بهام من بنو ای کوهستان محبوب

از بانه - شاهین

برای اطلاع فرمانداری کردستان

رئیسشمار سقرشکای می میرسد و میگویند سوء استفاده های بدستاری حسابدار آنجا میشود از جمله میگویند:

۱- گوزیل شمائی و محمد قاسم احمدی که هر یک چند باب دکان بنا نموده بودند مورد نظر بخشدار واقع شده بعنوان اینکه زمین های که در آن دکان ها ساخته شده متعلق بشهر هرازی است. پرونده ای برایشان تشکیل شد بعداً سازشی روی داد و اشکال پرونده مرتفع شد (انشاء الله در این موضوع صحبت سازی و بول گرفتن در میان نبوده است.)

۲- حاج ملا عبدالله لام گویا یکمید و پنجاه حلب روغن به طهران حمل نموده میگویند از هر حلب روغن حاجی مصلتی بول گرفته شده (انشاء الله این بول هم رشوه نبوده و بابت حق عبور منظور شده باشد.)

فلا برای نمونه همین دو موضوع کوچک کافی است تقاضا پس از تحقیقات فرمانداری سنجندج بطالاب دیگر اطلاع حاصل خواهد بود در صورتیکه لازم باشد ما هم میتوانیم کمک کافی بپوشش بودن قضایا بکنایم.

برای اطلاع اداره کل دخانیات

مرکز عمل آقای مهندس هاشمی ناظر خرید دخانیات کردستان و سید سعید نام صادقی موجب عدم رضایت مردم شده برای نمونه فعلا نلکرافتی که از سنجندج رسیده دوج میکشیم پس از وصول اطلاعات کافی جزئیات عملیات آقایان را هم خواهیم نوشت ولی قبل از دوج آن لازم میبایم توجه اداره کل دخانیات را جلب نمود که تحقیقات لازمه نموده تصمیم مقتضی که متناسب با موقعیت فعلی باشد اتخاذ نمایند اینک نلکراف

اداره معترم دخانیات کبیه وزارت دارائی کبیه جناب آقای آصف کبیه کوهستان. اینجانبان زارمین کوماسی و سکلان زارمین پس از یکسال زحمت مقداری توتون بمل آورده بدخانیات سنجندج وارد بخانه آقای هاشمی ناظر خرید عوض تشویق اغلب زارع را بپرون سکرده توتون در زیر باران و کلیه فاسد شده ناظر خرید ده روز است برای تقریب بیشتر رفقه دست داده ارا هجوم را ملاقات پس از بازگشت خرید نماید تقاضای مساعدتان است؛ نماینده کلان زارمین و کوماسی: میرزا حسن پیر - سرزاده و فتح اله حکمی.

برای اطلاع و توجه اداره کل زاندر مری

در شب ۲۶ آبان ماه ساعت هفت و نیم بعد از ظهر در ۱۳ کیلومتری همدان در جاده ملایر سارقین مسلح جلو جاده را سله چین نموده کامیون شماره ۳۵۰ همدان را که متعلق به آقای محمد سلطانپان بوده لغت کرده بهلازه زبان فراوانی هم بعبود کامیون ولاشیکها وارد آورده اند.

این دومین کامیونی است که در عرض ۳ شب سارقین مسلح در همان نقطه بستی در حومه شهر مورد دستبرد قرار داده اند که متاسفانه چندان جلب توجه مامورین مربوطه را نکرده است.

کتاب الفبای آسان

که با آن هر می سواد می توان در یک هفته کاملاً با سواد کرد در ۸۰ صفحه با این خط و خط تازه اشعار یافت بسیار پنج ریال جای فروش کتابفروشی تهران خیابان لاله زار کتابفروشی چپرس خیابان سمدی کاشی ۳۳ دفتر روزنامه کوهستان خیابان پهلوی کاشی ۱۵۲۴

محل اداره: خیابان پهلوی روبروی کوچه

مریضخانه و زیری تلفن ۸۵۳۹